



خوش خلق بودی و می بخشیدی!

شاید خدا وقتی تو را می آفرید، گفت که «فتبارک الله احسن الخالقین».

شاید خدا وقتی تو را می آفرید، گفت که «فتبارک الله احسن الخالقین«.

این را فقط به خاطر همه علاقه‌ای که به تو و خاندان پاک تو دارد نمی‌گویم. از این‌که در هر سال چند ماه را به‌طور ویژه با نام تو گره زده نمی‌گویم. از این‌که هر روزمان را در کنار نام خودش با نام تو پیوند زده نمی‌گویم.

این حرف را از آن رو می‌گویم که آدم وقتی توصیف‌اش را از تو می‌شنود، وقتی حرف زدنش را با تو می‌بیند، گویی آن حس را درمی‌یابد. مگر خدا در خطاب به چند نفر می‌تواند بگوید: «انک لعلی خلق عظیم«؟ واقعاً خدا خلق و خوی چند نفر را می‌تواند با این تعبیر بزرگ بشمارد که در جمله‌اش انگار حس می‌شود که دارد لذت می‌برد از این خلق و خوی بزرگ‌منشانه؟!

اخلاق تو چنان بود که آنها که با تو زندگی کرده بودند هر یک به زبانی از خلق خوش تو سخن گفته‌اند. یکی گفته که اخلاق او همان اخلاق قرآن بود. یکی تو را خوش اخلاق‌ترین کسان دیده. دیگری گفته زیباترین و بخشنده‌ترین و شجاع‌ترین مردم بود و از نشانه‌های اخلاقت اینها را برشمرده: هرگز دشنام نمی‌داد، ناسزا نمی‌گفت و لعن و نفرین نمی‌کرد. به‌هنگام بازخواست حداکثر به‌طور شوخی می‌گفت فلانی را چه می‌شود چرا کوتاهی می‌کنی؟ یکی دیگر هم از تو این‌طور یاد کرده که «خوش‌خوترین مردمان بود. نه دشنام می‌داد، نه بدزبانی می‌کرد، نه در کوچه و بازار، هیاهو به راه می‌انداخت و نه بدی را با بدی جبران می‌کرد؛ بلکه می‌بخشید و گذشت می‌کرد.«